

# برای سینمای مستند باید محقق سینمایی پرورش داد

فیلمسازی مستند برای هنر سینما چه بسا همان ارزشی را داشته باشد که تحقیقات علمی و اجتماعی برای ادبیات؛ یعنی جستجوی واقعیت جاری در زندگی و هرآنچه چشم دوربین می‌تواند ترجمان آن باشد.

امروز سینمای ما از دردهای گوناگونی رنج می‌برد و به عقیده بسیاری احتمالاً بی‌مهری به سینمای مستند از ریشه‌های این دردهاست. در واقع سینمای ایران دچار جدائی از واقعیت زندگی جاری و نوعی غرابت است. شخصیت‌های فیلم‌های ما نه تنها به زبان امروز مردمان صحبت نمی‌کنند بلکه به زبان هیچ مردمی در هیچ زمان یا مکان دیگری هم حرف نمی‌زنند و مثل آدم‌های این دیار زندگی نمی‌کنند. فیلمهای زیادی از مناطق مختلف ایران و نوع زندگی اهالی آنها ساخته می‌شود ولی آن تعدادی که ما را با زندگی آن مناطق آشنا می‌کنند محدودند. سینمای ما بدون اینکه چیز زیادی گفته باشد گوشها را خسته کرده است.

در چند ساله اخیر شاهد تلاش مسئولان در به‌کارگیری روشهای گوناگون در جهت درمان دردهای این سینما بودیم. ازدیاد تولید، ایجاد مراکز مختلف برای مشورت و راهنماییهای فنی و حرفه‌ای و تشویق و شرکت در سرمایه‌گذاریهای هرچه بیشتر از جمله این تلاشها بوده‌اند. اما تقویت سینمای مستند در جهت اعتلای کیفی رسانه‌های سینما و تلویزیون نکته‌ای است که تا به حال از سوی مسئولان و مطبوعات به آن توجه کافی نشده است. آدینه قصد دارد مقداری از فضای صفحات سینمایی خود را به بررسی مشکلات، نیازها و تواناییهای سینمای مستند اختصاص دهد. برای این‌کار از مسئولان، فیلمسازان، محققان و تمامی علاقه‌مندان به این رشته می‌خواهیم ما را یاری کنند.

اولین قدم در این جهت گفتگویی است با محمدرضا مقدسیان یکی از مستندسازان پرکار که در حال حاضر دو فیلم با نامهای "سرود دشت نیمور" و "خیزاب" به کارگردانی او مراحل پایانی مونتاژ را پشت سر می‌گذارند.

• طرحها را چطور انتخاب می‌کنید؟  
طرحهای پیشنهادی را می‌پذیرید یا طرح خودتان را به تهیه‌کننده پیشنهاد می‌کنید؟

— به هر دو شکل اتفاق می‌افتد ولی من کمتر پیشنهادهای سازمانها و نهادها را پذیرفتم و بیشتر ترجیح می‌دهم خودم طرح را پیشنهاد کنم معمولاً حین مسافرت یا دیدار با آدم‌های جدید و یا خواندن مطلبی، جریتم‌های یک کار مستند در ذهن من بوجود می‌آید. ۱۵ سال قبل برای بازبینی محل‌های قبلمی که قرار بود در سیستان و بلوچستان بسازم عازم آن استان شدم. در یکی از جاده‌های دورافتاده سیستان به دو کارگر ترک برخورددم. آنها از قره‌چمن آذربایجان برای کار در یک کارگاه جاده‌سازی به سیستان آمده بودند و ۸ روز بود که راه می‌سپردند تا کار پیدا کنند. بیشتر اسباب و اثاثیه خود را در میان راه رها کرده بودند. به شدت تحت تاثیر قرار گرفتم. اکنون نمی‌دانم آنها کجا هستند ولی هنوز مانند روز اول در ذهن من زنده‌اند و از من می‌خواهند فیلمی درباره‌شان بسازم. هنوز موفق به این کار نشده‌ام ولی مطمئن‌تا ساخته شود آنها با من خواهند بود و مرا رها نخواهند کرد. چنین است که کمتر می‌توانم طرحهای پیشنهادی را قبول کنم.

• چه مشکلاتی در مرحله تحقیق گریبانگیر کار مستندسازی هستند؟

— مشکلات بسیاریند، ولی مهمترین آنها عبارتند از فراهم نبودن امکانات تحقیق و

نداشتن محقق سینمایی. اصولاً سازمانهای تهیه‌کننده، فیلمهای مستند مرحله تحقیق را جدی نمی‌گیرند و به آن اهمیت نمی‌دهند. در نتیجه نه تنها امکانات مالی بلکه امکانات مادی آن‌را هم در اختیار فیلمساز نمی‌گذارند. اینکه برای این مرحله بودجه‌ای در نظر گرفته نشود به نظر من قابل چشم‌پوشی است، ولی حتی حضور در منطقه برای مدت معین به منظور آشنائی با محیط و مشاهده و تحقیق هم برای تهیه‌کنندگان عملی نامانوس و غریب است.

مشکل دیگر این است که ما محقق سینمایی نداریم و کسانی که تواناییهای این رسانه را بشناسند به این کار مشغول نیستند. علت این هم برمی‌گردد به جدی‌نگرفتن کار سینمای مستند از سوی سازمانهای تهیه‌کننده آن. ما باید محقق سینمایی پرورش بدهیم.

• تحقیق برای سینمای مستند باید چه خصوصیتی داشته باشد؟

— در تحقیق سینمایی باید ویژگیهای دراماتیک و تصویری موضوع را در نظر گرفت. محقق اطلاعات را روی کاغذ می‌آورد و در واقع رویداد روی کاغذ می‌میرد، اگر قرار باشد بر اساس این پژوهش فیلمی ساخته شود باید در نظمی ویژه دوباره به آن زندگی داد و برای آن مصداقهای زنده پیدا کرد. در سینمای مستند باید با تصویر زنده و نه از طریق گفتار و سخن‌گوئی بر تماشاگر تاثیر گذاشت. باید از طریق تصویر در بیننده انگیزه ایجاد کرد تا آنچه را می‌بیند جزو تجربیات و زیسته‌

خود او بشود و دلش برای آن بتپد.

به نظر من ضمن اینکه کارگردان باید ویژگیهای یک محقق خوب را داشته باشد، و بزگیهای این‌کار هم باید آموزش سینمایی ببینند. گاهی گروههای تحقیق نتیجه کارشان را به صورت نوشته‌ای به من داده‌اند که خودشان مصداق عینی آن را نمی‌شناختند. یعنی نمی‌دانستند در کجا باید چیزی را که درباره‌اش حرف می‌زدند پیدا کنند. در واقع کاری ارائه می‌کردند که به درد نوشتن یک مقاله می‌خورد نه ساختن یک فیلم.

• فیلم "کوره‌پزخانه" شما که جایزه فستیوال مسکو برای بهترین فیلم مستند در سال ۱۹۸۱ را از آن خود ساخت ظاهراً موفق‌ترین کارهای شما در بخش تحقیق هم بوده است. کار تحقیق برای آن فیلم چگونه انجام شد؟

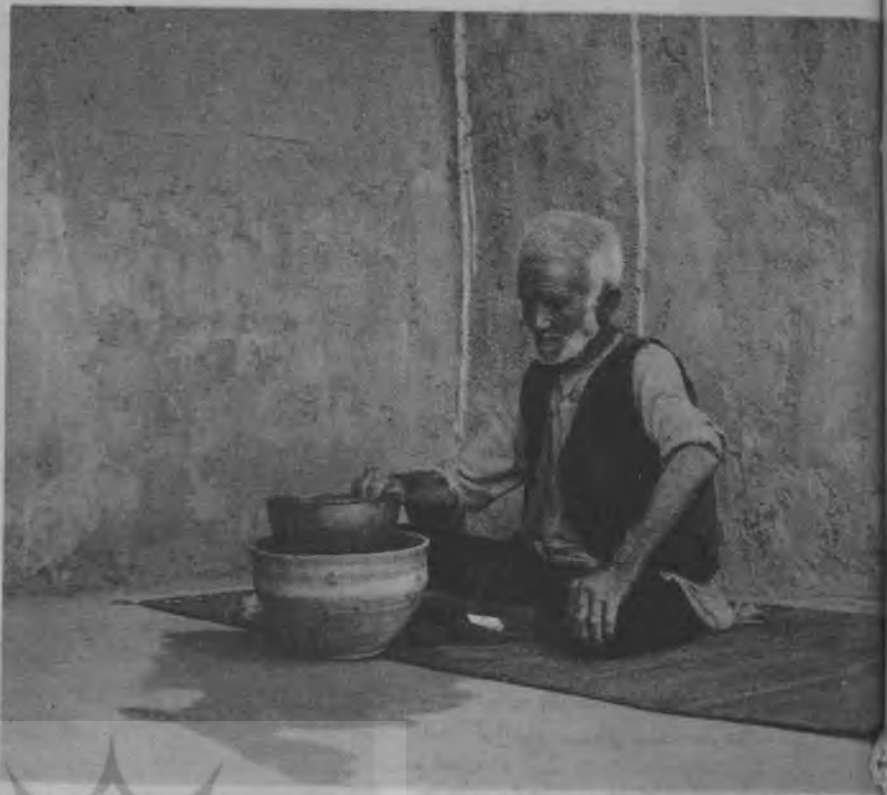
— "کوره‌پزخانه" یک فیلم از مجموعه فیلمهای "استثمار کودکان" بود که در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به وسیله محمدرضا اصلانی تهیه شد. ما در آغاز دستگاه فلسفی‌ای را که استثمار در آن معنی پیدا می‌کرد مطالعه کردیم. بعد مصداق عینی آن را در محل پیدا کردیم و سپس به دنبال تحقیق در مورد نمونه‌هایی پرداختیم که مصداق عینی آن وجود داشت. گروه تحقیق از سه نفر تشکیل می‌شد که جنبه‌های مختلف مسئله را بررسی می‌کردند و در هر بخش با متخصصین امر مشورت می‌کردند (مثلاً در بخش بهداشت از متخصصین بهداشت کمک می‌گرفتند). بودن

● دو سال پیش برای کارگردانی فیلم مستند دقیقه‌ای هزار تومان پرداخت می‌کردند ولی حالا ۸۰۰ تومان می‌پردازند.

● فیلم مستند خوب می‌تواند به سازندگان فیلمهای داستانی و تخیلی، وفاداری به واقعیت را گوشزد کند.

● یکی از علل مهم موفقیت مجموعه «استثمار کودکان» این بود که محققان آن با سینما آشنایی داشتند.

● در کار مستند عکسها به فیلمساز جهت می‌دهند و امکانات کار را به او می‌شناسانند.



رنجهای کار، رنجهایی که اغلب از کار داستانی بیشتر است ندارد.

از نکات مهم در فیلمسازی مستند فیلمبرداری از موضوع در تحول رویداد است و این مستلزم حضور به هنگام وقوع رویداد است. اما گروه که انگیزه قوی برای کار ندارد خطر نمی‌کند یا در موارد لزوم به انتظار شکار نمی‌نشیند و نتیجه حضور نداشتن به هنگام رویداد است که باید با گفتار و ایفای نقش منظمی سخنگو جبران شود. این باعث می‌شود موضوعات مستند مرده و بی‌حرکت می‌شوند و بیننده را جذب نمی‌کنند.

ه آیا هرگز فکر کرده‌اید که کار فیلمبرداری یا هر کار دیگری را در کنار کارگردانی به عهده بگیرید؟

— با اینکه خودم به فیلمبرداری علاقه زیادی دارم ولی فکر می‌کنم نیاز دارم با یک فیلمبردار کار کنم و این را در شرایط فعلی مستندسازی خودمان لازم می‌دانم. در حالی که در مورد تهیه‌کنندگی با اینکه به جدایی آن هم اعتقاد دارم فکر کرده‌ام آن را بر عهده بگیرم. علت این امر از این قرار است: اول دستمزد ناچیز کارگردانی است. دو سال پیش برای کارگردانی فیلمهای مستند دقیقه‌ای هزار تومان به من پرداخت می‌شد. این مبلغ به دقیقه‌ای ۸۰۰ تومان کاهش یافته و با توجه به نرخ تورم، زندگی را برای من دشوارتر کرده است. تازه کار هم سخت‌تر شده و نیاز به فعالیت و زمان بیشتری دارد. از جمله تماس با مردم از نظر نسبت اعتمادشان به تلویزیون بسیار

فیلم داستانی اهمیت دارد و می‌تواند به اندازه خود فیلم ارزش پیدا کند. عکاس فیلم داستانی معمولاً در خدمت تبلیغ برای فیلم و وابسته به آن است و به اندازه کار عکاس برای فیلم مستند نیازمند خلاقیت نیست. در کار مستند عکسها به فیلمساز جهت می‌دهند و امکانات کار را به او می‌شناسانند. عکسهای تهیه‌شده، قبل از مرحله بازبینی گاهی می‌توانند به اندازه کار تحقیقاتی، مستندساز را در شناخت امکانات موضوع یاری کنند. من همیشه سعی کرده‌ام به تهیه‌کننده تفهیم کنم که سرمایه‌گذاری در زمینه عکاسی به نفع خود اوست. متأسفانه بارها شاهد بوده‌ام که در آخرین مراحل فیلمبرداری عکاسی را سر صحنه فرستاده‌اند و او تعدادی عکس گرفته است که در آن مرحله دیگر به هیچ کاری نمی‌آمده. به این ترتیب عکاس نمی‌تواند نقش خود را آنچنان که باید ایفا کند.

ه به نظر شما مشکل فیلمساز مستند در ایجاد رابطه با اکیپ فیلمبرداری چیست؟

— فیلمسازی مستند جدی گرفته نمی‌شود. برای مستندسازی نه اعتباری هست نه تأمین. فیلم مستند را هم یکبار احتمالاً در جایی نمایش می‌دهند و فراموش می‌شود. در واقع فعالیت برای ساختن یک فیلم مستند نه اجرایی دارد نه اجرایی در حالی که ساختن فیلم داستانی گروه فیلمبرداری را هم از مزایای مادی برخوردار می‌کند و هم از مزایای معنوی. بنابراین گروه انگیزه‌ای برای تحمل

متخصصین در کنار ما، ما را با عمق موضوع آشناتر و از خیالپردازیها دور می‌کردند.

یکی از علل مهم موفقیت ما در تحقیق برای مجموعه «استثمار کودکان» این بود که محققین آن با سینما بیشتر آشنا بودند تا با تحقیق. علت دیگر هم این بود که تهیه‌کننده به اهمیت تحقیق واقف بود و امکانات و زمان کافی برای این کار در اختیار ما گذاشته بود. ه با توجه به تجربه و شناختی که از اهمیت تحقیق پیدا کردید آیا برای مجموعه «آب و آبیاری» که پس از «استثمار کودکان» ساخته شد کار تحقیقی بیشتری انجام دادید؟

— در آب و آبیاری وقتی دعوت به کار شدم به من گفتند که بیشتر کار تحقیقات انجام شده است در حالی که کار زیادی انجام نشده بود و من بدون اینکه تهیه‌کننده مسئولیت مادی آن را بپذیرد ناگزیر از عده‌ای از متخصصان مربوط به آب و آبیاری کمک گرفتم تا با مسئله آشنا شوم و تا جایی که توانستم کار را عقب انداختم و به تحقیق پرداختم. کوشش من در این جهت باعث شد بتوانم یک سال را به کار تحقیق اختصاص بدهم. این وقتی که به تحقیق اختصاص یافت باعث شد که کمتر به کار تصویر برداریم ولی از اینکه بهای بیشتری به تحقیق دادم راضی هستم.

ه در فیلمسازی مستند عکاسی چه نقشی دارد؟

— عکاسی فیلم مستند بیشتر از عکاسی برای

مشکلتر از سابق است و وقت و نیروی بیشتر می‌برد. با تقبل تهیه‌کنندگی با زحمتی که می‌کشم مزد متناسبتری دریافت خواهم کرد. ضمن اینکه می‌توانم در جهت مفید صرفه‌جویی کنم.

ه به‌جز مشکلات کار با اکیپ و مشکلات موجود در مرحله تحقیق مستندسازی دیگر چه مشکلی در ایران دارد؟

— یکی از مهمترین موانع کار این است که در اکثر مواقع انگیزه‌های فیلمساز و تهیه‌کننده (سازمان تهیه‌کننده) متفاوت است. آنچه برای تهیه‌کننده مطرح است درد فیلمساز نیست و تهیه‌کننده بیشتر از فیلمساز توقع کار تبلیغاتی دارد. در نتیجه یا کار سطحی از آب درمی‌آید و یا به دست کسانی سپرده می‌شود که در فیلمسازی تجربه‌ای ندارند و فقط با تهیه‌کننده موافقت. به زبان دیگر مشکل اصلی را حرکت خام تهیه‌کننده و انجام ناقص وظایف او به بار می‌آورد. این نکته هم قابل توجه است که در واقع سازمانهای تهیه‌کننده با مراحلی که یک فیلم شکل می‌گیرد آشنا نیستند و وقتی چنین آشفتگی‌هایی هست طبعاً کارگردان هم مسئولیت خود را درست انجام نمی‌دهد.

ه اعتلای سینمای مستند چگونه ممکن است در سینمای داستانی و تخیلی تاثیر بگذارد؟

— فیلم مستند خوب می‌تواند به سازندگان فیلمهای داستانی و تخیلی وفاداری به واقعیت را گوشزد کند. ابتدا سینمای داستانی عمدتاً زیر نفوذ تئاتر و قصه بویژه قصه‌های کلاسیک قرن نوزدهم قرار داشت و غافل از تواناییهای این رسانه بود. سینمای مستند که عمدتاً با قصه و هنرپیشه بیگانه بود امکانات این رسانه را به سینمای تخیلی شناساند. سینماگری مثل روبر برسون که به یاد ندارم فیلم مستند ساخته باشد از فیلم "انسان آرنی" که فیلمی است مستند همواره به عنوان یک فیلم بزرگ یاد می‌کند و آن را الگوی یک سینمای سالم می‌داند زیرا این فیلمی ساخته شده با امکانات صرف سینما است. سینمای مستند در واقع امکانات خود سینما و نه امکاناتی را که به غلط از تئاتر و قصه به عاریه گرفته شده بود به ما شناساند.

اضافه کم در بسیاری از موارد کارگردانهای فیلمهای داستانی موضوع خود را ابتدا در یک فیلم مستند تجربه کرده‌اند و پس از آن به سراغ ساختن فیلم داستانی رفته‌اند. بهترین نمونه آن شاهکار پارولینی "انجیل به روایت منی" است که پیش از ساخته شدن آن کارگردان فیلم مستندی از



### کاریز، مبارزه با بیابان برنده جایزه ویژه شد

فیلم "کاریز مبارزه با بیابان" اولین قسمت مجموعه "آب و آبیاری سنتی در ایران" ساخته محمدرضا مقدسیان، در پاییز سال جاری جایزه ویژه جشنواره A.B.U (اتحادیه فیلمسازان آسیا و اقیانوسیه) را از آن خود ساخت. جایزه ویژه جشنواره یکی از چهار جایزه‌ای است که در این جشنواره برای شرکت‌کنندگان در نظر گرفته شده است. جوایز دیگر عبارتند از:

جایزه تلویزیونی A.B.U برای کودکان به بهترین کار، در این زمینه اختصاص دارد. جایزه هوسوبونگا که به فیلمی اهدا می‌شود که در نمایش پیشرفتهای ملی و منطقهای کشور تهیه‌کننده و جلب بینندگان خارجی موفق باشد. جایزه تلویزیونی A.B.U برای بهترین

همان موضوع تحت عنوان "مکان‌یابی برای فیلمبرداری در فلسطین برای انجیل به روایت منی" ساخت و در واقع بعد از عبور از کانال مستند، فیلم داستانی ساخته شد.

ه آیا ایجاد سازمانهای صنفی در سینمای مستند ایران می‌تواند به حل مشکلات کمکی برساند؟

— این بی‌تردید در اعتلای سینمای مستند ما موثر خواهد بود، به شرط اینکه این بنیاد صرفاً صنفی باشد و فقط به مسائل مربوط به کار توجه کند و به شدت از تنگناهای عقیدتی بگریزد. در حد انجمنی که فیلمسازان مستند آنجا درباره مشکلات کاری بحث کنند و اگر بتوانند صندوقی ایجاد کنند تا بشود برای کسانی که دچار ضایعات کاری شده‌اند یا به علت کهنلت از کار افتاده‌اند تأمین در نظر بگیرند.

ه به نظر شما مطبوعات چه وظیفه‌ای در قبال سینمای مستند دارد؟

— شاید کوچکترین وظیفه‌اش نقد کردن و شناساندن مبانی نقد سینمای مستند به مردم باشد. همچنین طرح مبانی تئوریک و زیبایی‌شناسانه و شناساندن سینمای مستند به مردم. حرکت دیگری که مطبوعات در جهت خدمت به سینمای مستند می‌توانند ارائه کنند گردهم‌آوردن فیلمسازان مستند و آماده‌سازی زمینه بحث و تبادل نظر آنها است.

مستند تلویزیونی که با مطرح کردن خصوصیات نوع بشر بتواند به ترویج تفکرات مشترک بین انسانها کمک کند.

جایزه ویژه A.B.U که ضمن دربر داشتن خصوصیتی که برای جایزه تلویزیونی برای بهترین مستند ذکر شد توانسته باشد به عقیده هیات داوران اینکار و نوآوری را با حداقل امکانات تکنیکی انسانی و مالی به کار گرفته باشد.

از نکاتی که جشنواره بر آن تأکید می‌کند این است که فیلم به زبان کشور تهیه‌کننده به نمایش درآید و این در جهت ارزش‌گذاری برای تصویر و محک زدن گویایی تصویر فیلم جدا از گفتار آن است.

فیلم "کاریز مبارزه با بیابان" برنده جایزه ویژه امسال به وسیله فرهاد صبا فیلمبرداری شده است، صدابرداران محمود سماک‌باشی و پرویز آبنار بودند و تدوین آن را پریچهر ممتحن برعهده داشته است. تهیه‌کننده این فیلم ابراهیم حسنخانی است و فیلم در سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی تهیه شده است.